

اخلاق‌نامه‌نویسی در ایران و جایگاه اخلاق جلالی

محبوبه خراسانی *

چکیده

کتابهای اخلاقی حجم نسبتاً زیادی از آثار ادبی را به خود اختصاص داده است. این مقاله در پی یافتن سرچشمه‌های تکوینی این کتابهای اخلاقی و بویژه تبیین جایگاه اخلاق جلالی تنظیم شده است. چون این کتاب به پیروی از اخلاق ناصری خواجه‌نصیر توسی نوشته شده و اخلاق ناصری نیز با اقتباس از تهذیب‌الاخلاق مسکویه تألیف گشته است به نظر ضروری می‌رسید که درباره جریان اخلاق‌نویسی در ایران بحث شود.

در این مقاله ضمن بررسی ریشه‌های تاریخی و سنتهای مهم اخلاق‌نویسی به طور جداگانه به سنت اسلامی می‌پردازیم و سه کتاب اخلاق ناصری، اخلاق جلالی و اخلاق محسنی را که نمایندگان اصلی این سنت به شمار می‌روند، بررسی می‌کنیم. در پایان مدل تبارشناسیک آثار اخلاقی را در ایران با تأکید بر تبیین جایگاه «اخلاق جلالی» ترسیم خواهیم کرد. آنچه در پی می‌آید تلاش مختصری است در توضیح برخی از وجوه اندیشه دوانی در کتاب اخلاق جلالی.

کلیدواژه: اخلاق‌نویسی، ادبیات تعلیمی، سنتهای اخلاق‌نویسی، اخلاق جلالی، اخلاق ناصری، اخلاق محسنی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۶/۲۴

* دانش‌آموخته دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

سرچشمه‌های تاریخی اخلاق‌نامه‌نویسی در ایران

کتابهای اخلاقی و اندرزنامه‌ها در هر دوره‌ای بخش مهمی از ادبیات تعلیمی ما را به خود اختصاص داده است. شاهد آن، شمار زیاد اندرزنامه‌ها در ادبیات پهلوی است که بخشی از آنها به جا مانده و بخشی دیگر به طور پراکنده در کتابهای فارسی و عربی نقل شده است. «ابن‌ندیم در الفهرست، چهل و چهار کتاب را نام می‌برد که به عنوان منابع دست اول برای تمام ادبیات عرب در زمان توجه اعراب به نوشته‌های ایرانیان در جنبش ترجمه، مطرح بوده است. تعداد زیادی از این کتابها با منابع ایرانی به طور مستقیم ارتباط داشته؛ از آن جمله است: پندنامه‌کهایی چون کتاب وصیت بزرگمهر به انوشیروان و کتاب وصیت خسرو انوشیروان به پسرش و وصیت اردشیر بابکان به پسر خود شاپور و نظایر آن» (ر.ک. بهار، ۱۳۷۳: ص ۵۰).

در دوره اسلامی ایران نیز تا پیش از مغول اندرزنامه‌نویسی هم چنان بر جا بود و به نظر می‌رسد، بیشتر از سنت باستانی خود تأثیر پذیرفته باشد؛ به عنوان مثال «ابوعلی مسکویه در تهذیب‌الاخلاق به اسنادی ایرانی استناد می‌کند که جزو ادبیات پندآمیز مختصر و مبهم نبوده است. این آثار از نوع کتابهای آموزشی دینی بوده و از این رو معرف اصول مشخص اخلاقی - دیانتی یا اصول اخلاق پارسی است» (اینوسترانتسلف، ۱۳۴۸: ص ۲۵، به نقل از پورنعمت، ۱۳۷۴: ص ۴۸). اما پس از مغول با ریشه‌دارتر شدن اسلام در ایران، اندیشه باستانی متون اخلاقی بسیار کم‌رنگ می‌شود و تحولی در این نوع به وجود می‌آید.

به نظر طباطبایی در بررسی کتابهای مربوط به حوزه فلسفه سیاسی (که در دوره‌های تاریخی مورد بحث در قالب کتابهای اخلاقی نوشته می‌شد) دو سنت عمده به چشم می‌خورد: یکی سیاست - نامه‌نویسی که نشانگر تداوم اندیشه ایران باستان در دوره اسلامی است و محور اصلی تحلیل آن، فرمانرواست؛ مثلاً خواجه نظام‌الملک در سیاست‌نامه، تمامی هم خود را به کار می‌بندد تا راه و رسم فرمانروایی یا به بیان دقیقتر، بهترین شیوه حفظ قدرت سیاسی را نشان دهد و در این راه، دیگر ساحت‌های حیات اجتماعی را در خدمت قدرت سیاسی قرار می‌دهد؛ به عنوان مثال دیانت از نظر خواجه نظام‌الملک در خدمت سیاست و مشروعیت آن قرار می‌گیرد. وی نوع دیگر سنت نوشته‌های مربوط به این حوزه را - به مسامحه - شریعت‌نامه می‌نامد. در این آثار کانون

تفسیر و تحلیل شریعت اسلامی است. مهمترین آثار از این دست، سلوک الملوک فضل الله روزبهان خنجی و اخلاق جلالی است (طباطبایی، ۱۳۶۸: ص ۲۲). در متون اخلاقی - ایرانی که در دوره اسلامی ایران نوشته شده است، ویژگیهایی وجود دارد که ما را به بررسی سرچشمه‌های آن ناگزیر می‌کند. قدر مسلم، آن یکدستی و همواری که پیوند این متون را به یک آبشخور واحد ثابت کند در این آثار نیست و همین، لزوم پرداختن به جریان اخلاق نویسی را محرز می‌کند.

سنت‌های اخلاق نامه نویسی و متون اخلاقی ایرانی

به نظر می‌رسد دسته‌بندی سرچشمه متون اخلاقی به سه سنت زیر برای مقصود ما مناسب باشد و بتواند تأثیرات این سنتها را در اخلاق نویسی آشکار کند:

۱. سنت یونان باستان

«متفکران اسلامی در طرح نظریات اخلاقی خود همواره با الهام از اندیشه فیلسوفان یونانی در خصوص ماهیت مدینه^۱ عمل کرده‌اند. آنها دولت - شهر افلاطونی را به مفاهیم قرآنی پیوند زده‌اند. در این خصوص حتی متفکران اشرافی مثل جلال‌الدین دوانی معتقدند روح و جسم شهروندان باید در ساختار دولت - شهر نمایان باشد» (Leaman, 1998).

یکی از مباحث اصلی در اخلاق، حکمت عملی است. ریشه مباحث حکمت عملی را بی‌شک باید در یونان باستان بازجست. فرهنگ یونانی از دیرباز در آسیای مرکزی حضور داشته است و افکار التقاطی دوره‌های یونانی و اسکندرانی و رومی جزو پیشینه متون اخلاق فارسی به حساب می‌آید. ارسطو در اخلاق نیکوماخوس^۲ تقسیم‌بندی سه‌گانه تهذیب اخلاق، تدبیر منزل^۳ و سیاست مدن^۴ را از حکمت عملی به دست می‌دهد. این تقسیم‌بندی اساساً ارسطویی در بسیاری از آثار فلسفی متأخر یونانی و سریانی هم آمده و از راه ترجمه به متون اسلامی و آثار تعلیمی ایرانی راه یافته است.

البته فوشه‌کور معتقد است ذهنیتی که در پشت اخلاق موجود در این متون پنهان است، بیش از ارسطو به نخستین فلاسفه یونانی نزدیک است و در اندرزنامه‌های کهن فارسی نیز می‌توان برخی از قطعات هسیودوس و سقراط را از نو خواند؛ ضمن اینکه

عرصه‌های سه‌گانه اخلاقی یعنی پندار، گفتار و کردار، همان عرصه‌های اخلاق اوستا هستند (فوشه‌کور، ۱۳۷۷: ص ۶).

از خاستگاه‌های سنت‌های اخلاقی اسلامی، آثار افلاطون (جمهور، نوامیس و سیاست) نیز اخلاق نیکوماخوس و کتاب سرالاسرار^۵ مشهور به خطابه ارسطو است (دایبر، ۱۳۸۰: ص ۲۱۲). ارسطو می‌اندیشد مهمترین هدف نوشتار اخلاقی، راهنمایی بشر به خیر و سعادت است و اخلاق در پی این است تا نشان دهد که چه شکلی از زندگی مطلوبتر و بهتر است و عالیترین خیر آدمی در چیست تا چون این خیر معلوم شد، وظیفه وی دنبال کردن آن باشد. عالیترین خیر، مأموریت انسانی است و آن تکمیل فضایی است که نفس شایستگی آن را دارد و به وسیله آن می‌تواند به سعادت دسترسی یابد (ر.ک. ارسطو، ۲۵۳۶: ص هجده).

از کتابهای اخلاقی یونانی، که به عربی ترجمه شده است، می‌توان به این کتابها اشاره کرد: اخلاق بروسن^۶، اخلاق نیکوماخوس و فضائل النفس ارسطو، اخلاق جالینوس ترجمه جیش بن حسن اعسم شاگرد اسحاق بن حنین، اخلاق ارسطو ترجمه اسحاق بن حنین، وصایای افلاطون با نام آداب الطیبیان ترجمه ابو عمر و یوحنا بن یوسف کاتب و ترجمه‌ای دیگر از آن با نام وصیة افلاطون فی تأدیب الاحداث ترجمه اسحاق بن حنین (رمضانی، بی تا: ص ۱۲).

رساله‌ای به نام تدبیر منزل را به ارسطو نسبت داده‌اند که آن هم به عالم اسلام وارد شده و گزیده‌ای از آن را ابوالفرج طیب (متوفی ۴۳۵) در ضمن کتاب الثمار الطیبه و الفلسفیه نقل کرده است. اصل رساله در سه کتاب تنظیم شده است. مطالب کتاب نخستین با برخی مباحث سیاست ارسطو، تدبیر منزل گزنفون و نوامیس (قوانین) افلاطون نزدیک است (پورجوادی، ذیل تدبیر منزل).

۲. سنت ایران باستان

از سوی دیگر، اخلاق از مقوله‌های مورد توجه در ایران باستان نیز بوده است. تألیفات اخلاقی زمان ساسانیان در ادبیات مشابه دوره اولیه اسلام تأثیر بسیاری داشته است. دسته‌ای از نوشته‌های مربوط به «آداب» یعنی رفتار نیک و اخلاق پسندیده، چه در ادبیات فارسی جدید و چه در ادبیات دوره اولیه اسلام، جزو این نوع یادگارهای ادبی است. غیر از آثاری که ابن‌ندیم بدانها اشاره می‌کند، آثاری هم در عهد اسلامی وجود داشته که از آنها استفاده شده، ولی بعدها از میان رفته است. کتاب «آیین‌نامک»

مجموعه‌ای بوده است از اخلاق و فرهنگ و رسوم و آداب و بازیها و ورزشها و سخنان بزرگان و آیین رزم و عزا و سور و زناشویی و نظایر آن، که ابن‌قتیبه و دیگر ادبای عرب بسیاری از فصول این کتاب را نقل کرده‌اند، اما اصل کتاب از بین رفته است (بهار، ۱۳۷۳: ص ۵۰).

یکی از عوامل مهم تازگی فرهنگ ایرانی، که اخلاق و نهایتاً شیوه زندگی در آن، جلب توجه می‌کند، پیوستگی آن به گذشته و واکنش به آن در آینده است. اندرنامه‌ها از قدیمترین صورتهای آثار اخلاقی به شمار می‌رود. اندرنامه‌های ایرانی به نوعی به ادبیات حکمی پیوند دارد که می‌توان برخی از آثار آن را در متون باز مانده از مصر باستان، خاورمیانه، هند، یونان و نیز روم لاتینی یا یونانی زبان بازجست (فوشه‌کور، ۱۳۷۷: ص ۶).

۳. سنت اسلامی

در گذشته، مفهوم خاصی که دال بر کتابهای اخلاقی باشد در مقوله‌بندی آثار مکتوب اسلامی وجود نداشت. آثار اخلاقی اسلام تحت عنوان «ادب» طبقه‌بندی می‌شد. تربیت اخلاقی انسان، حاکم و رعیت هدف آنهاست (دایمر، ۱۳۸۰: ص ۲۱۲). ساختار متون متقدم اخلاقی اسلامی براساس مقوله‌بندی ارسطو از حکمت عملی طرح‌ریزی شده است. در آثاری نظیر المنطق ابن‌مقفع، حدودالمنطق ابن‌بهریز، جامع‌العلوم ابن‌فریغون و رسایل اخوان‌الصفاء در تقسیم‌بندی علوم تعبیر سیاست‌الخاصه‌الخاصه به جای تهذیب اخلاق، سیاست‌الخاصه یا سیاست‌الخاصیه به جای تدبیر منزل و سیاست‌العامة به جای سیاست مدن به کار رفته است (پورجوادی، ذیل تدبیر منزل). اما با ورود اسلام به ایران، سنت اندرنامه‌نویسی آشکارا تحت تأثیر قرار گرفت. نویسندگان ایرانی با پذیرش فرهنگ اسلامی، این نگاه را در آثار اخلاقی خود گسترش دادند و رفته‌رفته پیوند خود را با اندیشه باستانی ایران کمتر کردند. بانگاهی کلی، می‌توان این گسست اندیشگانی را در سیر تدوین کتابهای اخلاقی ملاحظه کرد. تا قرن ششم هجری، نشانه‌های اندیشه باستانی ایرانی را در برخی منابع به روشنی می‌بینیم؛ سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک توسی یکی از این منابع است که در آن اعتقاد لزوم داشتن فر ایزدی و نسب شاهانه برای پادشاه هم‌چنان پابرجاست. از سوی دیگر با ریشه‌دارتر شدن اسلام در ایران، کم‌کم این نشانه‌ها هم کم‌رنگ می‌شود و تأثیرات نفوذ اسلام در این سنت آشکارتر می‌گردد و سرانجام با نوشته شدن اخلاق جلالی این نشانه‌ها از بین

می‌رود. به دلیل اهمیت این سنت و تأثیرات پایدار آن در جریان‌شناسی اخلاق‌نویسی تا امروز در پی به بررسی اجمالی آن می‌پردازیم.

نقش سنت اسلامی در تکوین متون اخلاقی

سنت اسلامی به طور عمده از طریق حذف و افزودن عواملی چند در متون اخلاقی فارسی تأثیر گذاشت؛ این عوامل عبارت است از:

۱. حذف مفاهیم نشاندار ایران باستان

بدین معنا که هر آنچه میراث ایران باستان بود و با موازین اسلامی مطابقت نمی‌کرد از آثار اخلاقی دوره‌های بعدی رفته‌رفته پاک شد. همان‌طور که اشاره شد، خواجه نظام‌الملک توسی در سیاست‌نامه به لزوم فرایزدی برای شاه معتقد است. هم‌چنین وی برای شاه سلجوقی نسب‌سازی می‌کند؛ چرا که براساس باورهای ایرانیان باستان تنها کسی می‌تواند پادشاه شود که نسب شاهی داشته باشد. هم‌چنین در این اثر، خواجه آداب شراب‌نوشی را به تفصیل بیان می‌کند. در قابوس‌نامه نیز فصلی به آداب شراب‌نوشی اختصاص یافته است. جالب اینجاست که خواجه نصیر توسی نیز در اخلاق ناصری به این آداب می‌پردازد ولی پیروان وی، جلال‌الدین دوانی و ملاحسین کاشفی سبزواری و غیاث‌الدین دشتکی این آداب را مطلقاً از آثارشان حذف کرده‌اند.

۲. افزودن آیات قرآنی، حدیث و حکایتهای اسلامی

آثار اخلاقی تا قرن ششم هجری از نظر استفاده از آیات و احادیث، جلوه متعادلتری دارد؛ یعنی نویسندگان در سخن خود به ضرورت و به دفعات کمتری به کلام نبوی و شخصیت‌های اسلامی استشهاد می‌کردند و یا حکایاتی از ایشان نقل می‌شد، اما اندک‌اندک در آثار اخلاقی، گویی رقابتی در به کار بردن آیات و احادیث و حکایت در می‌گیرد؛ به عنوان مثال در قرن هشتم، قطب‌الدین شیرازی در دره‌التاج از تقسیم‌بندی سراج‌الدین ارموی پیروی کرده به طوری که مطالب خود را براساس حکایات و روایت دینی تنظیم کرده است و برخلاف هنجار گذشته، چارچوب یونانی را به کار نمی‌گیرد. از آنجا که اخلاق جلالی، تحریری دیگر از اخلاق ناصری است از جمله وجوه تمایز این کتاب با اخلاق ناصری افزودن آیات و احادیث و حکایتهای اسلامی است.

۳. محور بودن شریعت و توجه به امور معنوی

با عنایت به شریعت و دیانت، امور دنیوی و مادی رنگ می‌بازد و امور معنوی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ضمن اینکه هرچه عرفان مهمتر و همه‌گیرتر می‌شود، آثار شریعت‌نامه‌نویسان افزونتر می‌شود در حالی که چه در ایران باستان و چه در قرنهای آغازین ایران اسلامی، تأثیر فرهنگ باستانی و نیز یونانی در آثار اخلاقی بیشتر است. شاید بتوان گفت که همان زیرساختهای اندیشه باستانی ایرانی هم‌چنان به هستی خود ادامه می‌دهد لیکن در زیر پوششی اسلامی، که سرسختانه سعی در تطابق با موازین دینی دارد. بنابراین از این زاویه فرق چندانی نیست بین فرایزدی‌ای که خواجه نظام‌الملک از آن صحبت می‌کند و مقام خلافت الهی که دوانی بدان باور دارد. «دوانی در بستری عرفانی سعی دارد استدلال کند که بندگان در جنبه‌های دوگانه الهی/شیطانی، درونی/بیرونی، جسمانی/روحانی جانشین خداوند هستند و انسان بیش از سایر مخلوقات من جمله فرشتگان می‌تواند تصویری از خداوند باشد. ازین رو مهمترین تکلیف انسان محافظت از شریعت و همتراز کردن امور دنیا با این اصول جهانی است، لذا حاکم، سایه خدا و جانشین با واسطه اوست» (Majid Fakhry, 2006).

از قرن نهم به بعد است که با تلاش اخلاق‌نویسانی چون جلال‌الدین دوانی و فضل‌الله روزبهان خنجی در سلوک‌الملوک، مقدمات شریعت‌نامه‌نویسی در جهت جمع میان حکمت عملی و شریعت به نفع شریعت فراهم می‌شود. در واقع، دوانی از سویی جمع میان اسلام اهل سنت و جماعت و حکمت عملی یونانی را در اخلاق جلالی به دست داده است و از سوی دیگر، فرآورده اسلام و حکمت عملی را به نظریه سلطنت مطلقه و فرمانروایی ترکان قراقویونلو پیوند می‌زند (طباطبایی، ۱۳۶۸:ص ۱۹۲).
براساس آنچه آمد، ضروری است مهمترین آثار اخلاقی، که نمایندگان اصلی سنتهای اخلاق‌نویسی نیز به شمار می‌رود، بررسی، و مقایسه‌ای از شیوه تدوین آنها به دست داده شود.

مقایسه کتابهای اخلاقی دوره اسلامی

۱. اخلاق جلالی و اخلاق ناصری

گفته شد که اخلاق جلالی اقتباسی است از اخلاق ناصری. حال در پی این هستیم تا به شناخت روش این اقتباس دست یابیم. جالب است بدانیم که دوانی کتاب اخلاق

ناصری را اثری مشوش و پراکنده می‌داند و سعی دارد تا خود، کتابی جامع و شریعت‌مدارانه و اشراق محور بنویسد:

«فاما چون تصنیف بعض متقدمان است و مشتمل بر عبارات غیرمتعارفه و اشعار غریبه که امثال آن اکنون متداول نیست، اشارت علیه برین جمله نفاذ یافت که این فقیر بی‌بضاعت آن را ترمیمی و تتمیمی نماید و چون به نظر اندیشه در آن امعانی رفت، چنان نمود که به حسب ترتیب و ضبط اجزای کتاب مشوش و منتشر است به حسب مقاصد از احاطه به تمام ارکان علم اخلاق و سیاست قاصر» (اخلاق جلالی، ۱۲۸۳:ص ۷۷).

وی این کتاب را برای حسن‌بیگ بهادرخان - که همیشه اخلاق ناصری را همراه خود داشته و مطالعه می‌کرده است - بازنویسی می‌کند؛ البته با این قصد که تصحیح و تکمیل رساله بنا بر نظر اشراقی انجام پذیرد.

«... پس معمار طبع این نقش بر لوح خیال کشید که تدوینی رود که با آن که بر اصول حکمت عملی مشتمل باشد در شواهد و دلایل اقتباس از انوار نیرات آیات قرآنی و مشکات احادیث حضرت ختم منقبت... سخنان صحابه و تابعین و مشایخ و ائمه دین و لمعات اشارات اساطین حکمای الهیین رود و در مواضع مناسبه به قدر امکان بر مقاصد آن نسخه محافظت کند و در مظان لایقه از ذوقیات اهل کشف و شهود چاشنی‌ای نماید تا از میامن خواص زمان بی‌نصیب نباشد» (اخلاق اجلالی، ۱۲۸۳:ص ۷۸).

دوانی همان‌طور که خود اشاره می‌کند در تألیف اخلاق جلالی از آیات قرآنی، احادیث نبوی و گفتار صحابه و تابعین و سخنان عرفا بهره برده است. وی نه تنها اخلاق خواجه را خلاصه و ساده می‌کند، بلکه آن را با نگاهی آمیخته به حکمت اشراق قلم می‌زند.

همان‌طور که گفته شد، موضوع رساله اخلاق جلالی به پیروی از کتاب «اخلاق ناصری» خواجه نصیر، درباره سیاست مدن و تدبیر منزل است، اما آنچه در این رساله اهمیتی اساسی دارد، مسئله «جمع میان حکمت عملی و شریعت است. دوانی شریعت را تنها درک صحیح از دیانت معرفی کرد و می‌پنداشت شریعت الهی کانون تحلیل سیاسی است و تمامی امور دیگر به تبع آن معتبر هستند. وی با ارائه این تفسیر ویژه از شریعت آن را با ایدئولوژی سلطنت شاهان «آق قویونلو» سازگار کرد و مشروعیت نظری حکومت وقت را بر مبنای آراء سیاسی ابوالحسن ماوردی، غزالی و ابن تیمیه برعهده گرفت. براساس این تفسیر، موضوع حکمت عملی به تهذیب اخلاقی تغییر

یافت و تأویل عقلانی دیانت در شریعت مستحیل شد» (شش جوانی، ۱۳۸۷: ص ۳). اما به لحاظ ساختار اثر، می توان گفت که اخلاق جلالی و اخلاق ناصری هر دو همسان است. در ذیل، نمایی از این ساخت عرضه می شود:

| اخلاق ناصری | اخلاق جلالی |
|---|--|
| ۱ سپاس و ثنای خداوند «حمد بی حد و مدح بی عد لایق حضرت عزت مالک الملک...» | آغاز کلام با یاد خدا «افتتاح کلام با نام واجب العظام سلطانی سزد...» |
| ۲ سخن از آفرینش انسان | سخن از آفرینش انسان |
| ۳ پذیرش انسان امانت الهی را (اشاره غیر مستقیم) | پذیرش انسان خلافت الهی را (اشاره مستقیم) |
| ۴ صلوات و تحیات بر محمد مصطفی (ص) (و توضیح درباره مقدمه پیشین کتاب و جابه جا کردن آن با مقدمه جدید) | درود بر کاملی که... دیباچه مکارم اخلاق است |
| ۵ دعا برای دولت در مقدمه جدید ندارد | دعای دولت حضرت خاقانی (حسن بیگ) |
| ۶ سبب تألیف کتاب الف. نقل کتاب الطهاره به پارسی ب. تکمیل دو قسم دیگر حکمت عملی (حکمت مدنی و منزلی) | سبب تألیف کتاب الف. نقل کتاب اخلاق ناصری به صورت مرتب و به زبان ساده ب. حذف عبارات و اشعار غیر متعارف و تکمیل آن با آیات و احادیث و سخن صحابه و اولیا ج. تکمیل عدم احاطه آن کتاب بر اخلاق و سیاست |
| ۷ مقدمه ای در شرح معنی حکمت (توضیحی مقدماتی درباره ریاضی، علوم طبیعی، منطق) | مقدمه ندارد. |
| ۸ فهرست مطالب کتاب (سه مقاله و سی فصل) | فهرست مطالب کتاب ندارد. |
| ۹ تعریف حکمت عملی و تقسیم بندی آن | تعریف حکمت عملی و تقسیم بندی آن |
| ۱۰ مقاله اول: تهذیب اخلاق | مقاله اول: علم اخلاق و فرهنگ |

| | | |
|----|-------------------------|---|
| ۱۱ | مقاله دوم: تدبیر منازل | مقاله دوم: علم‌کدخدایی و تدبیر منزل |
| ۱۲ | مقاله سوم: سیاست مدن | مقاله سوم: علم مملکت‌داری و سیاست مدن |
| ۱۳ | وصایای افلاطون | وصایای افلاطون |
| ۱۴ | وصایای ارسطاطالیس ندارد | وصایای ارسطاطالیس |
| ۱۵ | خاتمه ندارد. | خاتمه در ذکر زمان به پایان رسیدن کتاب و نام و دعای پادشاه و شاهزاده |

در تعریفات:

| اخلاق ناصری | اخلاق جلالی |
|--|--|
| «الف آن بود که رای‌ها و اعتقادات گروهی در معاونت یکدیگر به جهت تدبیر معیشت متفق شود» (طوسی، ۱۳۶۰:ص ۱۱۶). | «الف آن است که آراء طائفه و عقاید ایشان در معاونت یکدیگر متآلف و متفق شود» (دوانی، ۱۲۸۳:ص ۱۰۵). |
| «بله تعطیل قوت فکری بود به ارادت نه از روی خلقت» (طوسی، ۱۳۶۰:ص ۱۱۹). | «بله تعطیل قوت فکر است به اراده و ترک استعمال آن در واجب یا تقصیر در استعمال آن به کمتر از حد واجب» (دوانی، ۱۲۸۳:ص ۱۱۵). |
| «تسلیم آن بود که به فعلی که تعلق به باری، سبحانه و تعالی داشت باشد یا به کسانی که برایشان اعتراض جایز نبود، رضا دهد و به خوش منشی و تازه‌رویی آن را تلقی نماید و اگر چه موافق طبع او نبود» (طوسی، ۱۳۶۰:ص ۱۱۶). | «تسلیم آن است که به احکام الهی و نوامیس شرعی و اوضاع نبوی و نظایر آن از رسوم ائمه شریعت و مشایخ طریقت رضا دهد و به حسن قبول تلقی نماید و اگر چه موافق طبع او نباشد» (دوانی، ۱۲۸۳: ۱۳۸۶:ص ۱۰۵). |
| «اما سغه و آن در طرف افراط است، استعمال قوت فکری بود در آنچه واجب نبود یا زیادت بر آنچه مقدار واجب بود و بعضی آن را گریزی خوانند» (طوسی، ۱۳۶۰:ص ۱۱۹). | «سغه طرف افراط است و آن استعمال قوت فکر است در آنچه واجب نیست یا زیاده از قدر واجب و آن را گریزی خوانند» (دوانی، ۱۲۸۳:ص ۱۱۵). |
| «جبن و آن حذر بود از چیزی که حذر از آن محمود نبود» (طوسی، ۱۳۶۰:ص ۱۱۹). | «جبن و آن حذر است از چیزی که حذر از آن مستحسن نباشد» (دوانی، ۱۲۸۳:ص ۱۱۵). |
| «وفا آن بود که از التزام مواسات و معاونت تجاوز جائز نشمرد» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۱۶). | «وفا آن است که از طریق مواسات تجاوز جائز ندارد و ایجاز مواعید و قضای حقوق (دوانی، ۱۲۸۳:ص ۱۰۴). |

۲. اخلاق جلالی و اخلاق محسنی

اولین نکته‌ای که در مقایسه این دو اثر جلب توجه می‌کند، این است که اخلاق محسنی اخلاقی عمومی است. از این رو برخلاف بیشتر کتابهای اخلاقی پیش از خود، شریعت را محور اصلی تدوین اثرش قرار نداده است. در این کتاب فضایل عمومی اخلاق برشمرده می‌شود؛ فضایی که مورد قبول اکثریت ادیان، و با موازین اسلامی نیز منطبق است؛ پس اختصاص به تعالیم اسلام ندارد؛ ضمن اینکه شواهدی که برای این مفاهیم می‌آورد برگرفته از تاریخ عمومی جهان است نه صرفاً احادیث و روایات مذهبی مسلمانان.

در دسته‌بندی کلی می‌توان حکایات اخلاق محسنی را از سه سنخ دانست:

۱. حکایات تاریخی

۲. حکایت دینی

۳. حکایات عرفانی

در اخلاق محسنی بیشترین بسامد حکایات از آن حکایتهای تاریخی است. نیمی از آنها به ایران باستان تعلق دارد و هفت حکایت از یونان باستان آمده و بقیه از ایران عهد اسلامی است. در سراسر این کتاب تنها پنج روایت اسلامی نقل شده و آنها از حضرت محمد (ص)، و حضرت (ع)، امام حسین (ع)، عمر و امام شافعی است. دیگر حکایتهایی که به شخصیت‌های دینی مربوط می‌شود، عبارت است از حضرت عیسی (ع)، اسماعیل (ع)، داوود (ع)، سلیمان (ع)، موسی (ع)، هارون و یوسف (ع). شش حکایت هم از مشایخ عرفا نقل شده است.

اخلاق محسنی در چهل باب تنظیم شده است. کاشفی در مقدمه باب اول اشاره‌ای غیرمستقیم به تهذیب اخلاق و لزوم آن دارد و سپس عبادت را، که از مصادیق آن می‌داند، توضیح می‌دهد. برخی از بابهای چهل‌گانه اخلاق محسنی عبارت است از: اخلاص، دعا، شکر، صبر، رضا، توکل، حیا، عفت، ادب، علو همت، عزم، جد و جهد، ثبات و استقامت، عدل و

چنانکه پیداست، کاشفی بدون پرداختن به مسائل فلسفی و منطقی رایج در سنت اخلاق‌نویسی و تقسیم بندی معهود آن به مهمترین فضایل اخلاقی از نظر خودش می‌پردازد و آنجا که سیاست، دفع اشرار، تربیتی خدم و حشم و مشاورت و تدبیر را مطرح می‌کند نیز هدفش صرفاً طرح چند پند کارکردی برای پادشاه و حاکمان است.

گویی کاشفی پیرو نظری ارسطو است؛ چرا که ارسطو نیز در اخلاق خود، «سادگی واقع‌بینانه‌ای دارد و تربیت علمی او موجب شده است تا از تبلیغ افکار مافوق استطاعت بشری و نصایح توخالی پرهیز کند. ارسطو آزادانه اعلام می‌کند که هدف زندگی خیرفی‌ذاته نیست بلکه هدف حیات سعادت و خوش‌بختی است؛ زیرا ما سعادت را به خاطر نفس سعادت می‌جوییم نه برای چیز دیگر، در صورتی که لذت و شرافت و علم را برای آن می‌خواهیم که خیال می‌کنیم ما را به سوی سعادت رهبری می‌کند» (ارسطو، ۲۵۳۶: ص هجده).

کاشفی در باب سیاست - ظاهراً معادل بخش سیاست مدن- تنها در یک بند به معنای لغوی سیاست می‌پردازد و تقسیم بندی‌ای از آن ارائه می‌کند: «و آن ضبط کردن است و بر نسق برداشتن و سیاست دو نوع است: یکی سیاست نفس خود و یکی سیاست غیر خود. اما سیاست نفس به رفع اخلاق ذمیمه است و کسب اوصاف حمیده و سیاست غیر دو قسم است: یکی سیاست خواص و مقربان درگاه و ضبط و نسق ایشان. دوم سیاست عوام و رعایا و قسم اول در باب چهلم مذکور خواهد شد. اما قسم دوم بر آن وجه است که بدان و بدفعلان را باید که پیوسته ترسان و هراسان دارد و نیکان و نیک‌کرداران را امیدوار سازد» (کاشفی، ۱۳۵۸: ص ۱۷۶) و پس از این بند، نقل قولهایی از بزرگان و چهار حکایت از شاهان و وزیران می‌آورد. اندیشه‌های سیاسی سبزواری را در «باب سیاست» نمی‌توان یافت، بلکه باید در لابه‌لای تمام ابواب چهل‌گانه کتاب به جستجوی آنها پرداخت در حالی که خواجه نصیر و دوانی، فصل مشبعی را به سیاست مدن اختصاص داده و مشخصاً در همان فصل به تبیین نظریات سیاسی خود پرداخته‌اند.

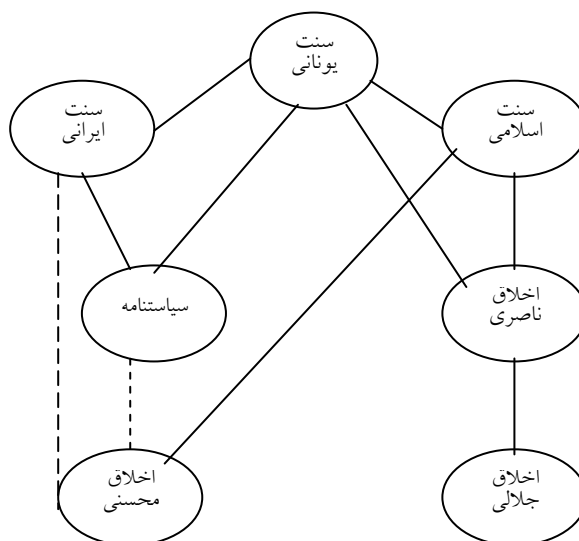
به هر حال آنچه باید به لحاظ تاریخی رخ دهد، آن چیزی نیست که در اخلاق محسنی ملاحظه می‌شود. فضای حاکم بر سنت اخلاق‌نویسی در دوره تیموری، که در واقع چیزی جز تحشیه‌نویسی با پررنگ کردن بنمایه‌های اسلامی و بسط و گسترش آنچه پیش از آن وجود داشته است، اقتضا می‌کرد که اثر کاشفی نیز از همان لون باشد.

نتیجه‌گیری

در پرتو آنچه تاکنون آمد، سعی شد مدل تبارشناسیک (تاریخی - تکوینی) آثار اخلاقی در ایران با تأکید بر تبیین جایگاه «اخلاق جلالی» و روابط درونی میان اجزای سازنده

آن ترسیم شود. همان طور که ملاحظه می شود، تأثیرات بلافصل و مستقیم میان اجزا با خطوط ممتد و روابط غیرمستقیم با واسطه از طریق خطوط نقطه چین نشان داده شده است.

مدل تبیینی - تاریخی جایگاه اخلاق جلالی در سیر اخلاق نویسی تا قرن ۹ هـ.



براساس مدل یاد شده، می توان در یافت که سنت یونانی بر اندرزن نامه نویسی ایران باستان و اخلاق نویسی اسلامی تأثیر گذاشته و حاصل آن، پیدایش آثاری از جنس تهذیب الاخلاق و اخلاق ناصری و سیاست نامه است. تهذیب الاخلاق مستقیماً بر پیدایش اخلاق ناصری تأثیر گذاشت و اخلاق ناصری در ادامه، موجد اخلاق جلالی شد. البته گفتنی است که خواجه نصیر، بخشهای تدبیر منزل و سیاست مدن را به مواد کار ابوعلی مسکویه افزود و جلال الدین دوانی نیز به تأسی از او این دو افزوده را باقی نگاه داشت. با این کار، حکمت عملی به نوعی نظریه پردازی در باب اخلاق تبدیل شد که در آن به شرح و تبیین رفتار درست آدمی پرداخته می شد نه شرح مناسبات میان شهروندان و مدینه، آن چنانکه در حکمت یونانی سراغ داریم. از آنجا که جامعه ایرانی بر مبنای شریعت عمل می کرد، حکمت عملی (سنت یونانی) نمی توانست بدون ادخال شریعت، پایه ای برای عمل اجتماعی افراد باشد. از این رو می توان کتابهایی هم چون تهذیب الاخلاق، اخلاق ناصری و اخلاق جلالی را که تحت تأثیر سنت اسلامی به

نگارش درآمده است در پرتو همین پیوند تبیین کرد. قدر مسلم، تلاش این کسان در عمل چندان موفق از کار درنیامد و سیاست مدن و تدبیر منزل همانند حواشی تهذیب‌الاخلاق باقی ماند. سنت اسلامی با حذف مفاهیم نشاندار ایران باستان، افزودن حکایات، آمیزش مفاهیم عرفانی و کلامی به جای هم افزایی حکمت و شریعت، نسبت میان این دو را به نفع شریعت به پایان برد (رک. طباطبایی، ۱۳۷۳: ص ۲۵۵-۲۷۰).

در مورد مقایسه میان امهات کتابهای اخلاقی باید گفت که دوانی بر اثر بینش اشراقی خویش خواسته با «اقتباس از انوار نیرات آیات قرآنی» کار خواجه را متمیم کند. اینکه دوانی برای بخش‌بندی کتابش به جای واژه مقاله از لامع استفاده کرده، مؤید نوع بینش او نیز هست.

اخلاق جلالی و اخلاق محسنی تقریباً در یک عصر نوشته شده است. زمینه‌های اجتماعی و نیز بُعد هنجاری سخن دوران حاکم بر روزگار تیموریان ایجاب می‌کرد که کتابهای اخلاقی به سبک و سیاق اخلاق جلالی باشد. اما به دلیل روش و سازمان درونی کتاب اخلاق محسنی و نیز روش پرداختن آن به مسئله اخلاق، شاید بتوان گفت سیاست‌نامه در به وجود آمدن اخلاق محسنی بی‌تأثیر نبوده است (خطوط نقطه‌چین، نشانگر بُعد احتمالی این سخن است).

اساس کار کاشفی اندرزگویی همراه با قصه‌گویی است. وی بدون باز کردن جنبه‌های روانی یا بُعد اجتماعی و سیاسی مقوله‌های طرح شده - چنانکه ابوعلی مسکویه و خواجه نصیر و دوانی چنین می‌کنند - به حکایت‌گویی می‌پردازد. وی گاه پس از نقل حکایتی و روایتی مستقیماً نتیجه اخلاقی آن را یادآور می‌شود. از سوی دیگر با توجه به دلالات ضمنی این اثر با اینکه مباحث طرح شده در اخلاق محسنی از موازین سنت اسلامی متأثر است و منطبق با آن، روش کار ملاحسین کاشفی به شیوه نوشته‌های اخلاقی ایران باستان نزدیکی بیشتری دارد.

پی نوشت

1. Police
2. Nicomachus
3. Economies
4. Politics

۵. دوانی در اخلاق جلالی از این کتاب یاد می‌کند.

6. Bruson

منابع

۱. ارسطو؛ *اخلاق نیکوماخوس*؛ ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی، ج ۱، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۶.
۲. اینوسترانستف، کنستانتین؛ *مطالعاتی درباره ساسانیان*؛ ترجمه کاظم کاظم‌زاده، چ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
۳. بهار، محمدتقی؛ *سبک‌شناسی*؛ ج دوم، چ هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۴. پورجوادی، رضا؛ «تدبیر منزل»، *دانشنامه جهان اسلام*؛ ج ۶، چ دوم، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
۵. پورنعمت رودسری، منیژه؛ *اخلاق در ادبیات و شرح اخلاق جلالی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۴.
۶. دایبر، هانس؛ «فلسفه سیاسی در فرهنگ اسلامی»، ترجمه عبدالعظیم عنایتی، *نشریه متین*، ش. ۱۰، سال سوم، بهار ۱۳۸۰.
۷. دشتکی شیرازی، غیاث‌الدین منصور؛ *اخلاق منصوری*؛ تصحیح علی محمد پشت‌دار؛ چ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۸. دوانی، جلال‌الدین؛ *اخلاق جلالی* (چاپ سنگی)؛ چ سیزدهم (۱۳۲۳)، لکهنو: مطبع نول کشور، ۱۲۸۳.
۹. دهخدا، علی‌اکبر؛ *لغتنامه دهخدا* (نرم‌افزار پژوهشی)؛ روایت دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. رمضانی، رضا؛ «در جست‌وجوی نظام اخلاق اسلامی»؛ سایت درگاه، بی‌تا <http://www.darghah.com>
۱۱. شش جوانی، حمیدرضا؛ «نسبت شریعت و حکمت عملی در اخلاق جلالی»، همایش مکتب شیراز، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.
۱۲. طباطبایی، جواد؛ *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*؛ چ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۳. طباطبایی، جواد؛ *زوال اندیشه سیاسی در ایران*؛ چ دوم، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۳.
۱۴. طوسی، نصیرالدین؛ *اخلاق ناصری*؛ تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری؛ چ دوم، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۰.

-
۱۵. فخری، ماجد؛ *نظریه‌های اخلاقی در جهان اسلام*؛ لیدن: انتشارات بریل، ۱۹۹۱.
۱۶. فوشه‌کور، شارل - هنری دو؛ *اخلاقیات: مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی*؛ ترجمه محمدعلی امیرمعزی و عبدالمحمد روح‌بخشان؛ چ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۷۷.
۱۷. کاشفی سبزواری، ملاحسین؛ *اخلاق محسنی*؛ تصحیح حامد ربانی، مقدمه مرتضی مدرس‌چاردهی؛ چ اول، تهران: کتابخانه عملیه حامدی، ۱۳۵۸.

18. LEAMAN, OLIVER (1998). "*Islamic philosophy*". N.E. Craig (Ed), Routledge Encyclopedia of Philosophy. London: Routledge.
19. Majid Fakhry, "*Ethics in Islamic philosophy*". <http://www.Muslimphilosophy.com/ip/rep.htm> Retrieved, January 31, 2006.